

هنر ایران

وابرتت هرشاک اندامیتا

مترجم: کیانوش معتقدی

فهرست

۱۱	پیشگفتار اردیلمانسی تا ایران‌شناسی بریتانیایی در عصر قاجار
۲۳	مقدمه
۲۷	چسبی و سفال
۴۱	کاشی‌کاری
۴۶	سلاح و حوش
۵۱	مسوحات
۵۷	سورن‌دوری و گلدوری
۶۱	فلرکاری
۷۲	کنده‌کاری و معرّی چوب
۷۵	نقاشی
۷۷	سحبه‌های حطی
۷۹	میناکاری، حواهرسازی و حکاکی
۸۱	آلات موسیقی
۸۳	فهرست آثار موحود در موره‌ی ساوت کریگتون
۸۵	آلبوم تصاویر
۱۹	ر مرداک اسمت و روابط فرهنگی - هنری ایران و بریتانیا در عصر قاجار
۱۳۹	از فرهنگ شخصی تا دانشه‌ی شرفی مجموعه‌داران بریتانیایی هنر ایران در قرن نوزدهم

مقدمه

تاریخ هس در ایران به زمان‌های دور و به عصر «چهار پادشاهی باستان» می‌رسد که از آن یس فقط ایران است که امروزه پاره‌حاست پیشینه و قدمت تاریخی ایران به عنوان یک نظام پادشاهی محرا و مستقل، کمتر به دلیل پایداری در برابر تهاجمات خارجی، و بیشتر به سبب ظرفیت و استعدادی بوده که همواره در حد مهاجمان مستعمل از خود برور داده است

از ایس روی فتوحات اسکندر در دوران باستان، و همچنین استیلای اعراب، ممولان و - دست‌آحر- افعان‌ها، ایران را چندان دچار دگرگونی بکرده است بحش عمده‌ی ساکنان امروزی ایران، به‌خصوص در شمال و شمال‌عرب، از تبار ترک (ترکستان) هستند و ران و تا حدی خصوصیات احداتی‌شان را همچنان حفظ کرده‌اند، هرچند در عین حال از نظر ملیت و قومیت، به ماسد باقی‌جامعه، تمام‌کمال ایرانی‌اند. یک دلیل عمده برای ایس موضوع در دوران حدیدتر، بی‌تردید آن چیری است که می‌توان ماهیت فرقه‌ای مذهب ملی حوادش، یعنی تشیع، در برابر تسس ایس فرقه‌گرایی به‌یقین تاثیر سرابی در حفظ روحیه‌ی ملی داشته که کشور همواره از آن متأثر بوده و مانع وحدت و وصلت با دیگر دولت‌ها و ولایات بومی مسلمان شده است

از سوی دیگر، یک موحدیت ملی مستمر احتمالاً به نحوی مطلوب بررود تحول هس در بین مردم اثرگذار بوده است. ایس مردم تا پیش از اسکندر به سطحی از پختگی و کمال در معماری و بیکر تراشی دست یافته بودند، آن‌چنان که ایس موارد

هور هم در ویرانه‌های شکوه‌مند پرسپولیس قابل رویت و تحسین است. سسک این رشد و کمال [هنری] تداعی‌گر پیکره‌ها و نقش‌برحسته‌های معروف بیوا [آر تمدن بین‌النهرین] است. احتمالاً هیچ‌کس دیگری، اکنون یادبودی ناشکوه‌تر از این فرّ و عظمت دوران باستان و خود ندارد. مقره‌ی کوروش، ویرانه‌های پاسارگاد، تحت سلیمان، نقش‌رستم و نقایای دیگر، نشان از آن دارند که در همین ایام دوق و مهارت هنری ایرانیان صرفاً به پرسپولیس محدود نبوده است. نقش‌برحسته‌های شاپور (۲۳۸ م) نشان می‌دهند که هنری مشابه - هرچند رو به افول - در امپراطوری رم، هم‌زمان با ایران، وجود داشته. اکنون از قرون اولیه‌ی اسلامی، تنها محدود نمونه‌هایی از هنر ایران به‌حای مانده و دلیل آن هم کم‌دوام بودن مواد سارنده‌ی این آثار در مقایسه با سنگ و مرمر بوده است. از میان قدیمی‌ترین نقایای این دوره می‌توان به کاشی‌های تریبی اشاره کرد که گندها و دیوارهای مساحت را با آنها می‌آراستند. در این آثار، تأثیرات دین حدید طبعاً بسیار عیان است. این کاشی‌ها ظاهراً به تقلید از نوع خاصی از سفال با لعابی فلرغام و ریبا بوده که [دست‌کم] ۶۰۰ تا [بیشینه‌ی] ۲۰ سال پیش در ایران ساخته می‌شده.

هنر ایران از دورترین ایام تا به امروز، سسک خاص و متمایزی را حفظ کرده که کمتر متأثر از ارتباط با سایر ملت‌ها بوده است. تنها موارد استثنا، تعات حاصل از واردات ظروف چینی قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی [عهد صفوی] از کشور چین و شال‌های کشمیری مربوط به همان دوره بوده که هر دو کماکان در ایران بسیار مورد تقلید و الگوبرداری هستند.

در حال حاضر، تنها چند اثر مفرعی (یکی از آنها در «موره‌ی ساوت کریگتون») احتمالاً تنها موارد موجود دیگری است که به دوره‌ی سفالیه‌های مدکور تعلق دارند. قدمت بیشتر اشیاء و آثار قدیمی دیگری که اکنون در کشور است، به دوران شاه عباس اول (۱۵۸۲ م) بازمی‌گردد. در زمان سلطنت این پادشاه، تولیدات و مصوغات ایرانی به سطح بالایی از کیفیت و کمال - شاید هم بالاترین سطح ممکن - دست یافت.

دوق و تمایل به هنر، از دیرباز برد ایرانیان متداول بوده و شواهد آن را می‌توان در

مشقت فراوانی دید که صرف تریس اقلام رورمره و کاربرد می‌کند این مساله با یک بررسی سطحی از مجموعه‌ی موحود در موره روش می‌شود. این داتقه در واقع نه هیچ‌وجه در این سرزمین رو به افول نگذاشته، معهدا قدری تترل یافته است. بعضی مسوحات و دست‌نافته‌های امروزی - اگر مصفاه سگریم - یارای براری با کهن‌ترین انواع خود را دارند و همین‌طور برخی انواع آثار فلرکاری از سوی دیگر، سفالگری چنان که بررسی مجموعه‌ی موره نشان می‌دهد، بسیار با نقصان مواحه گشته است. افول این حوره و برخی دیگر از مصوغات، به آشوب و آشفتگی‌های فراگیری بازمی‌گردد که در پی فروپاشی دودمان صفویه به دست افغان‌ها در قرن گذشته اتفاق افتاد.

ایران به احتمال فراوان کشوری است که اعراب از آنجا هرهارا را وام گرفتند و بعدها در اسپانیا و دیگر مناطق توسعه دادند.

اخلاف و پیروان محمد ص کسانی حر اعراب سدوی و نادیه‌شین بودند که به واسطه‌ی ارتباط با ممالک فرهیخته‌تر تحت سیطره‌ی خود به تدریج فصل و فرهنگ احد کردند. خلفای قدرتمند عباسی در بغداد بی‌تردید دانشوران و دانشمندان را از تمامی ممالک تحت سلطه به دربار فراخواندند و ایران در این بین، معماران و هنرمندانی را در اختیار آنان گذاشت. صنعتگران ماهر ایرانی بی‌گمان در شمار انبوه، برای آراستن مساحت و کاح‌های دارالخلافه‌ی عرب که در حوالی سرحدات کشور خودشان واقع بود به خدمت گرفته شدند.

ما بر این عقیده‌ایم که سسک تریبی به اصطلاح «عربی» یا «عربانه» [اسلمی] از آنجا نشات گرفت و بعد از آن بسیار گسترش یافت و اکنون به عایت شاخته‌شده است. آرایه‌سده‌ی‌های عجیب و خاص آویختگی [مقرس] در طاق‌ها و طاقچه‌ها که الحمران نمونه‌ی بازرری در رمیه‌ی کاربرد آن به شمار می‌آید، به لحاظ سسک، مشابه چیری است که در ایران تا به امروز مورد استفاده بوده و انواع آن در ویرانه‌های ری - شهری که عاقت ۶۰۰ سال پیش نابود شد - یافت شده است. دشوار نتوان تصور کرد که ایران، در جایگاه یک کشور هنرپرور، این [آرایه‌ی معماری] را از فاتحان باپرورده‌ی خود احد کرده باشد.

چینی و سفال

در این موره مجموعه‌ی بررگی از چینی آلات و خود دارد که از ایران خریداری شده است. در اینجا ضرورت ندارد در خصوص انواع مختلف چینی‌های ارائه شده در مجموعه وارد بحث شویم، اما ذکر نکاتی درباره‌ی قدمت این آثار و نحوه‌ی ورودشان به ایران، حالی از لطف بیست

پیش از کشف راهی به شرق از کنار «دماغه‌ی امید یک»، تجارت از هند و چین، یا از راه خشکی [حاده‌ی اریشم] و از طریق آسیای میانه انجام می‌شد، و یا از راه حلیج فارس به اروپا و ایران بدین وسیله به مرکزی مهم برای عبور و مرور تبدیل شده بود در عهد شاه عباس (ح ۱۶ م) این راه تجاری کماکان بسیار پُر رفت و آمد بود بنابراین می‌توان تصور کرد چینی آلات سرزمین چین که در ایران هست، به آن دوره مربوط می‌شوند.

ایرانیان به این آثار نام‌های مختلف می‌دادند، مثلاً «چینی حلما»، «چینی شاه‌عباسی» و امثالهم هر قطعه‌ای که بعد از این به ایران وارد شده، سبکی کاملاً متفاوت دارد به حر معدود مواردی از این اقلام مدرن، هیچ کدام از چینی آلات سرزمین چین که از ایران به موره راه یافته نمی‌تواند به زمان بعد از شاه عباس مرتبط باشد، و بسیاری از آنها حتی قدمت بیشتری دارند در خصوص اصالت این آثار، کمترین تردیدی نیست.

شاردن که در آغاز قرن ۱۷م^۲ سفرنامه‌ی خود را می‌نوشته (و بسیاری از حریات ریز و دقیق را در ساره‌ی ایران به او مدیون هستیم، چراکه در زمان ملکه الیرات بوده) راجع به سفال ایران می‌نویسد

«سفالیه‌های لعاندار (بدل چینی)، چنان‌که این‌طور می‌خوانیم‌شان، به همین طریق یکی از بهترین انواع مصوعات در سراسر ایران شمرده می‌شوند. ریباترین انواع آنها در شیراز، مشهد، یرد و کرمان و علی‌الخصوص در یک شهر کرمان به نام زرد تولید می‌شوند. خاک این سفال از میسای حالص بوده و بیرون و درون به کل شبیه سفالیه‌های لعاندار چینی است. این سفال به همان سست طریف و شفاف است، به همین دلیل اغلب چنان فریفته‌ی آن می‌شویم که سفال چینی را از ایران یارمی‌شاسیم. حتی گاه چینی ایرانی به انواع مُلک چینی ارجح است، چراکه لعاب زیبا و درخشانی دارد.»

در این متن چینی یافت می‌شود که با قاطعیت نشان دهد ظروف چینی حقیقی، زمانی در ایران ساخته می‌شدند، یعنی همان چینی با نده‌ی سحت، مثل نوعی که در بلاد چین وجود داشت. شاردن از قرار معلوم، بی‌اصطلاحات «بدل چینی» (faience) و «چینی» (porcelain) تمایز قابل نمی‌شود، یا شاید آن چنان در ساره‌ی سفال لعاندار ایرانی و چینی ایرانی سخن گفته که ما راجع به چینی در سدن، چینی انگلیس و غیره سخن می‌گوییم - انواعی که به طور یقین فقط تقلید چینی حقیقی چین هستند. چینی مرز و نوم چین، از حیث حمیر نده (گِل چینی ساری)، بی‌تردید در فرگ بهتر از ایران تهیه و تقلید می‌شود اما مدت‌ها پیش از اروپاییان، این ایرانیان بودند که چین سفالیه‌های ریایی می‌ساختند. اینها به لحاظ طرح، رنگ، لعاب و فرمی که داشتند، گاهی با ظروف اصیل چینی اشتباه گرفته می‌شدند. از باب مثال، طرف سفالین ش ۱۲۲۴۷۶ کتیسه‌ای دارد که گفته



شفتاب پلوحوری، ش ۴۸۷۴

۲. با توجه به سالروز ولادت و وفات ژان شاردن (۱۷۱۳-۱۶۴۳ م)، عبارت «آغاز قرن ۱۷م» نمی‌تواند محلی از اعراب دانسه باشد. سفرنامه‌ی او در واقع در سده‌ی دوم قرن ۱۷ م و در ربع آخر آن قرن به رشته‌ی تحریر درآمده و منتشر شده است. اس ناره، به لحاظ هموشایی تاریخی، با دوره‌ی ملکه الیرات اول (۱۶۳-۱۵۳۳ م) نیز حدان تطابق ندارد.